



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان
است.
منصور حکمت

۱۳۲

جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان کمونیست

۱۹ اسفند ۱۳۸۲

۹ مارس ۲۰۰۴

سه شنبه ها منتشر میشود

www.jawanan.org

سردبیر: مصطفی صابر



زنده باد آزادی زن!



۸ مارس ۸۲: انقلاب زنانه!

روز جهانی زن امسال، چه در تهران و چه در سنج (دو شهری که تا لحظه انتشار نشریه اخبارشان را داریم) یک گام آشکار به جلو بود. در پارک لاله تهران گرچه رژیم نتوانست مانع مراسم گردد، اما جمعیت به مراتب

چنان توده ای و قوی و کوبنده است که رژیم نتوانست حضور رادیکال، و ماکزیالیست و قاطع جنبش رهایی زن را مانع شود. در آنجا هم جمعیت بنحو آشکار بیش از گذشته بود. سنج فدای تهران و ۸ مارس امسال فدای ایران را جلوی همه ما گرفت! (مشروح خبرها در روزنه، عکس ها، دیروز پارک لاله، از ویلاگ فریاد بی صدا)

محسنی به دست ما رسیدند هم همین را نشان میدهند. جوانان و بخصوص دختران با پوشیدن لباسهای مذهبی که بیشتر شبیه به بالماسکه بودند عملا کل این مراسم را به باد مسخره گرفتند و مانع اجرای آن شدند و تا پاسی از نیمه شب به زدو خورد با رژیم پرداختند. حضور وسیع جوانان در تهران بخصوص در این روز در گیشا و میدان محسنی و امیرآباد بسیار چشمگیر بود. کیفیت جدید اعتراضات جوانان همین متعرض بودن آنست. **جوانان کمونیست:** جوانان اما در سالهای پیش و به مناسبتهای مختلف

**از حسین پارتی تا چهارشنبه سوری
محلات در کنترل جوانان**

بقول جوانان «حسین پارتیها» بود. کیفیتی که جوانان در اعتراض به رژیم اسلامی و قوانینش در این روز برای مثال از خود نشان دادند بی نظیر بود. آنها در کرمانشاه عملا مانع اجرای مراسمهای رژیم شدند. به آنها حمله کردند و گاها کنترل بخشایی از محلات مرکزی شهر را به دست گرفتند. در تهران اخباری که از میدان

گفتگو با بهرام مدرسی

جوانان کمونیست: بعد از پایان مضحکه انتخابات رژیم اسلامی بنظر میرسد که اعتراضات گسترش دارد و جوانان نقش برجسته ای دارند؟
بهرام مدرسی: چند روز پیش مراسم ماه محرم رژیم اسلامی و یا



جایگاه حزب

فواد عبدالمهی

توده عظیمی از جامعه ایران در حال انفجار و اعتراض وسیع به این جانبدار قرن بیست و یکم است به طوریکه این اعتراضات دقیق و لحظات گوناگونی دارد و در اشکال مختلفی بروز می کند. یکی از آنها حزب کمونیست کارگری است.

**اعتصاب ملعمان تا پایین کشیدن مجسمه
آیا دارد انقلاب میشود؟**

و حالا تظاهرات وسیع مردم مریوان، آیا دارد انقلاب میشود؟
اصغر کریمی: اینها، و نمونه های دیگری مثل مریوان، فیروزآباد و بانه، طلایه های انقلاب است. مردم دارند تمرین انقلاب میکنند. امروز مجسمه ای از رژیم را در مریوان پائین کشیدند. این اقدام سمبلیکی بود که مسیر حرکت جامعه

گفتگو با اصغر کریمی

جوانان کمونیست: اوضاع کشور خیلی ملتهب است. همه جا مردم با جمهوری اسلامی درگیرند. تظاهرات ۸ مارس، اعتصاب معلمان، تظاهرات مردم بم، عاشورا و حسین پارتی، شورش های ایذه و کامیاران، دماوند

را به همگان نشان میدهد. انتخابات کذائی مجلس و بحرانی تر شدن اوضاع رژیم، مردم را برای انداختن رژیم مصمم تر کرد. جرات مردم حتی نسبت به دوماه قبل بشدت بالاتر رفته است. جلو مقامات و مامورین رژیم، استاندار حکومت را خائن میخوانند و رژیم کاری از دستش ساخته نیست. مردم کامیاران عاشورا و شام غربیانشان را مورد حمله قرار میدهند و مامورین را آنها در روزهایی که اوج بسیج حکومت است فراری میدهند و همانروز رژیم را مجبور میکنند دستگیر شده ها را آزاد کند. رسما دختر و پسر در

ما جنبش بیان حقایقم، جنبشی که پایه اش روی افشای حقیقت جامعه سرمایه داری و حاکمیت مذهب قرار دارد. ما جنبش انقلاب و تحول و دگرگونی اساسی
صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ جایگاه حزب

کل جهان موجود هستیم. این جهان را ما می خواهیم از بنیاد دگرگون کنیم. باید همه چیز مهر ما را بر خود داشته باشد، بشریت باید با ما زندگی کند، با ما عقل پیدا کند و با ما تصمیم بگیرد. ما خود همین بشریت معترض هستیم. ما باید قدرت تغییر اوضاع را به جامعه بازگردانیم.

البته که واقعیت های اجتماعی را باید دید، آن را در کلیت تقویت کرد، مازومات پیشروی یک جنبش عمومی را فراهم کرد تا تازه بتوانیم در متن این فعالیت وجه حزبی این مبارزه را سازمان داد. بدون پلاریزه کردن خواسته های ملرن در جامعه و جدا از کل این حرکت اجتماعی و متنوع، کار به جایی نخواهیم برد. کسی که می خواهد قدرت سیاسی را بگیرد و این وضع را هر چه زودتر و کم مشقباتر به پایان برساند باید در کل این مبارزه همه جانبه دخیل شود.

باید توجه کرد که در این کار تفاهم متقابل بین حزب و جنبش اش ضروری است. بی آنکه سر سوزنی از نقد خود به هر آنچه غیر کمونیستی است، تخفیف دهیم. این به نظر تمام آن پیوند حیاتی است که در این مرحله باید به وجود آید. تنها موقعی که این نزدیکی به وجود آید و مردم و به طور اخص طبقه کارگر، این حزب را مال خود بدانند، انقلاب و رهایی از این وضعیت زودتر و کم دردستر به فرجام خود خواهد رسید.

به نظر من شاخص پیشرفت سیاست ما در این دوره در ایران، وجود طیف وسیعی از کمونیست های عملی و رادیکال است که نسبت به سرنوشت حزب و سیاست های آن حساس باشند. اوضاع حال حاضر و بحرانی ایران بر ضرورت جای گرفتن جلی کمونیسم کارگری در متن مبارزه فی الحال، تاکید می کند. جامعه ماتریال زیادی برای نیرو گیری این حزب فراهم کرده است. یک راه واقعی این تحول این است که بخش تشکیلات داخل ما باید در این مبارزات و این ماتریال ها دخیل شود و تاثیر بگذارد. پیدایش هر درجه گشایش سیاسی این را که اکثریت جامعه با ما خواهد بود به روشنی به همه ثابت خواهد کرد...

توجه!

دوستان و رفقای که برای ما مطلب میفرستند لطف کنید برنامه فارسی «واژه نگار» استفاده کنید! به گروه جوانان کمونیست در یاهو مراجعه کنید!

از صفحه ۱

از حسین پارتی تا چهارشنبه سوری محلات در کنترل جوانان

گفتگو با بهرام مدرسی



دبیر سازمان جوانان

که در راه است. چهارشنبهسوری و مراسم عید هستند. برای این روز فراخوان شما بعنوان سازمان جوانان کمونیست چیست؟

بهرام مدرسی: چهارشنبهسوری باید عملاً کنترل محلات را از دست رژیم اسلامی بیوریم. این امکان پذیر است. شرایط جدیدی که به آن اشاره کردم امکان پذیری این امر را نشان میدهد. باید در این شب و روزهای پس از آن دختر و پسر در محلات دست در دست هم بزنند، برقصد و شادی کنند. باید حجاب اسلامی را بپوشانند. باید

جوانان کمونیست: مناسبت بعدی

مستله برای رژیم اسلامی خیلی راحت مسئله ماندن یا نماندنش است. این اما اگر ما هوشیارانه و خوب عمل کنیم کمکشان نخواهد کرد. همین حسین پارتی‌های چند روز پیش رژیم مراسمش را بسیار خشن‌تر از سالهای پیش تدارک دید. سعی کرد که شمشیرهای بیشتری را به رخ مردم بکشد. عریذکشی‌های بیشتری را به خیابان آورد. سعی کرد خون بیشتری را به مردم نشان دهد. خیمه درست کردند و در خیابان آتشش زدند. سعی کردند قساوت خود را در سرکوب و زدن به همه نشان دهند. ولی آیا موفق شدند؟ همه دیدند که خیر این را جوانان به مسخره گرفتند و بخشا

مانع اجرای این مراسمها شدند. منظور اینک آنجا که به خود رژیم مربوط است، حتماً می‌خواهد بزند و از خود دفاع کند. این معادله اما طرف دیگری هم دارد. ما و جوانان هم البته دست روی دست نخواهیم گذاشت. امکانات سرکوب این رژیم هم محدودتر از همیشه است. نمیتوانند که ۴۰ میلیون انسان را زندانی کنند!

روزهای تعیین کننده‌ای در انتظار ما هستند. باید با چشمان باز به پیشواز این روزها رفت. برای تضمین این هم باید به حزب کمونیست کارگری و سازمان جوانان کمونیست پیوست. راه دیگری وجود ندارد.

به مزدوران رژیم اجازه ورود به محلاتمان را ندهیم. محلات کلا در این روزها اهمیت بسیار زیادی دارند. مرکز تجمع و اعتراض ما خواهند بود. باید با صدای بلند شعارهایمان را سدهیم. آزادی و برابری شعار اصلی ما است. اگر بتوانیم این کنترل محلات را در سطح وسیعی عملی کنیم در قدم بعدی میتوانیم عملاً کنترل بخشهایی از شهر را به دست گیریم. از این فضا باید حداکثر استفاده را برای متحد و متشکل کردن مردم بکنیم. باید تصویر آن جامعه‌آزادی که ما می‌خواهیم بسازیم را به همگان نشان دهیم. همبستگی، وحدت، انسان دوستی و برابری و خواست مشترک برای برپایی چنین جهانی شورانگیزترین احساس انسانی این روزها خواهند بود. باید اینرا تقویت و سازمان داد. از همین امروز باید دست‌بکار شد. شعار نویسی و پخش پوسترها و اعلامیه‌های ما اقدام برای شکل دادن به چنین حال و هوایی را باید از همین امروز شروع کرد.

جوانان کمونیست: فکر میکنید تدارک رژیم برای پیشگیری چنین امری چه خواهد بود؟

بهرام مدرسی: رژیم حتماً سعی میکند که بیشترین نیروی لازم را به خیابانها بسیج کند. شمشیرها را از رو بپندد و مردم را تهدید کند. صورت

جوانان به روایت شرقی

فرزاد نازی، هلند



«سرلخت نشست کنار میدان»!!
این بقول روزنامه شرق، حرف سربازی است که هم دلش برای خود می سوزد و هم برای مردم. خبرنگار روزنامه شرق هم گویا اثری از بی حجابی ندیده اند و بدحجابی معمولی دختران تهرانی! را در ذهن یک سرباز شهرستانی به بی حجابی تعبیر میکند. گویا در شهرستان زادگاه این سرباز مجهول الهویه همه دختران فاطمه وار به خیابان می آیند و فقط در تهران است که کمی دختران بد حجابی میکنند و اینهم معمولیست و پایه های نظام اسلامی را تهدید نمیکند!!

ولی حضرات روزنامه شرق بخوبی میدانند که نفرت و عصبان علیه سیمبلا و نمادها و مراسمهای مذهبی اسلامی صرفاً مقوله ای تهرانی نیست این نفرت سراسری است و با این دودوزه بازیهای ژورنالیستی نمیشود ماست مالی اش کرد. این خوره (بد حجابی) بقول خودشان، کشوری است. گرچه شدت و ضعف دارد اما در همه نقاط ایران، از تهران و اصفهان و کامیاران و مشهد و تبریز و سمنجان و غیره به جان رژیم اسلامی افتاده است و پایه ایدئولوژیکش را میخورد. تلاش روزنامه هایی از قبیل

سازمان جوانان واحد فتلاند تشکیل شد!

روز ۲۴ فوریه در جلسه ای با حضور تعدادی از جوانان خواهان عضویت در سازمان جوانان کمونیست تشکیل واحد این سازمان در هلندسینکی اعلام شد.
در این جلسه سهند حسین زاده به دبیری این واحد انتخاب شد و سپس برنامه کاری آینده سازمان جوانان در فتلاند به تصویب جلسه رسید.
تشکیل این واحد را صمیمانه به همه جوانان در فتلاند و به ویژه در هلندسینکی تبریک میگویم.
همچنین به سهند حسین زاده عزیز، به خاطر مسئولیت دبیری واحد سازمان جوانان کمونیست تبریک گفته و میدانم که با ایجاد این واحد تازه ای از کار پرشور و با نشاط در مبارزات جوانان آغاز خواهد شد. به امید موفقیت‌های بیشمار در راه ساختن دنیایی بهتر و زیباتر.

مسئول خارج سازمان
جوانان کمونیست

مریم طاهری
۷ مارس ۲۰۰۴

امروز و چرایی به سخره گرفتن مراسم عاشورا و عزای حسینی توسط دختر و پسر عصبانگر امروز، قدم زنان به خانه برمیگردد.

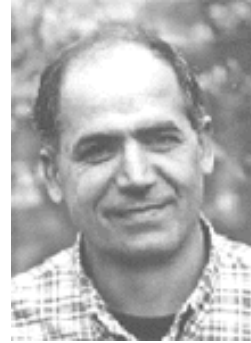
اما این جوان را نه با زنجیر موتورسواران خامنه ای و نه با گزارش های غلط اناز روزنامه شرق و نه خود را به بی خبری زدن امثال دولت آبادی نمیتوان مهار کرد. این سیلی است که می‌خواهد هم دنیای خونین و مختنق اسلام و هم کل دنیای بیمارگونه شرقی اسلامی را (که در رمانهای امثال دولت آبادی چنان تقطیس میشود) جارو کند و بر ویرانه هایش دنیایی شایسته انسان بسازد.

یک آقایی بنام «محمد رهبر» از تک و تا نمی افتد و میگوید: نسل جوان قبلاً در مراسم عزاداری یا منفعل بود و یا در هیئت‌ها و مساجد شهر هضم میشد، ولی محرم امسال رشد داشته و شرکت جوانان نسبت به سالهای گذشته در عاشوراها بیشتر شده است! باید به آقای رهبر گفت که اگر قبلاً نسل جوان منفعل بود نفرت از این بساط را با انفعال نشان میداد و تناسب قوا به او اجازه نمیداد که غیر از انفعال کار دیگری هم بکند. ولی حال با پارسال و سالهای قبل فرقی اساسی دارد، و این فرق همان تناسب قوا است که اجازه میدهد عملاً پا به میدان بگذارد و مقدسات و بساط شیخ مذهبی تان را بر سر تان خراب کند.

زنده باد نسل جوان

گفتگو با اصغر کریمی

گیر میشود. روحیه معلمان را نگاه کنید، روحیه مردم کردستان را نگاه کنید، روحیه مردم بم را که هنوز زیر یکی از مصیبت بارترین اتفاقات بشری کمر راست نکرده اند نگاه کنید. اینها همه حکایت از شروع یک پروسه انقلابی میکنند.



جوانان کمونیست: اجازه بدهید

بعضی این وقایع را دقیقتر نگاه کنیم. تظاهرات میروان چگونه بود؟ شعارها چه بود؟ چه مشخصاتی داشت؟

اصغر کریمی: به بهانه تصویب

قانونی در عراق که بزعم برخی ناسیونالیست های کرد و نه حتی بخش عمده ای از آنها، نوعی پیشرفت برای مساله کرد بحساب میاید، دوسه ماشین چراغشان را در شهر روشن میکنند و مردم تشنه آزادی و اعتراض این مساله را بهانه میکنند و تقریباً تمام مردم شهر از خانه بیرون میایند. و مردم هرجا تجمع کنند تجمعشان به اعتراض و تظاهرات علیه جمهوری اسلامی تبدیل میشود. بهانه مهم نیست. تظاهرات امروز مردم میروان با شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر خامنه ای، مرگ بر دیکتاتور، زنده باد آزادی و امثالهم بوده است و اوج حرکت آنها پائین کشیدن مجسمه حسین فهمی بود، که در جنگ ایران و عراق دست به عملیات انتحاری زده و جمهوری اسلامی مجسمه ای از آن بیچاره درست کرده بود. مردم این مجسمه را بعنوان سمبل حکومت اسلامی پائین کشیدند. حرکتی که فردا در تهران و اصفهان و مشهد و اصفهان و در تک تک شهرها تکرار خواهد شد. مشخصه امروز تظاهرات مردم میروان، همه گیر بودن آن، روحیه برتر مردم نسبت به مامورین رژیم، و تفوق آزادیخواهی بر ناسیونالیسم بود. در واقع مردم میروان و سایر

بسیار عالی خود تصویب کردند، بلکه علیه اعدا و سنگسار بعنوان جنایت و وحشیگری علیه بشریت حرف زدند و بنی از قطعنامه شان را به آن اختصاص دادند. در قطعنامه سندج همچنین بند مهمی در دفاع از اعتراض حق طلبانه کارگران، معلمان و دانشجویان بود و نکته بسیار مهم دیگر در تهران و سندج شعارها و مطالباتی در دفاع از کبرا رحمانپور و افسانه نوروزی بود. مردم شعار دادند که اینها باید آزاد شوند و این اوج انسانیت و انسان دوستی شرکت کنندگان در این مراسم ها بود. اعلام رسمی این مساله به حکومت اسلامی بود که قوانین تان را، دادگاهایتان را و دم و دستگاه قضائی تان را برسمیت نمیشتابیم. علاوه بر این مراسمها، گزارشات دیگر نشان میدهد که جنب و جوش اسمال نسبت به سالیهای قبل بسیار وسیعتر و توده ای تر بوده است. هشت مارس بعنوان روز جهانی زن تماماً تثبیت شد.

اعتصاب معلمان نقش دانش آموزان

اعتصاب معلمان پیردازیم، و بالاخره به خیرها؟
اصغر کریمی: این فراگیرترین و بزرگترین اعتصاب معلمان است. به دبیرستانها، مدارس راهنمایی و ابتدائی در سراسر کشور کشیده شده و درصحنی از مدارس که روز اول در اعتصاب شرکت نکردند در روزهای دوم و سوم به اعتصاب پیوستند. جالب این است که دانش آموزان یکپارچه اعتصاب معلمان را حمایت میکنند. و باز جالب این است که معلمان دانش آموزان را بخوبی توجیه کرده و خواسته اند که به والدین و خواهر و برادران بزرگسال خود اعتصاب را توضیح دهند. درواقع میلیونها نفر این اعتصاب را فعالانه همراهی میکنند و کل جامعه با سیمپاتی به آن نگاه میکنند. جلسه امروز معلمان

یزد با حضور استاندار و برخی روسای آموزش و پرورش و نیروهای انتظامی آشکارا روحیه معلمان، خشم و نفرت تلنبار شده و روحیه بسیار بالای آنها را نشان میدهد. هنگامی که استاندار گفت اعتصاب غیرقانونی است معلمان گفتند خائن بروگمشو، و تا پای جان با شماها خواهیم جنگید و یکپارچه شعار دادند تنها ره رهائی اعتصاب نهائی. این روحیه همه جا حاکم است.

جوانان کمونیست: شما پیامی به

معلمان دادید که در سایت روزنه هست و بر نقش مهم آنها در الگو شدن برای کل جامعه و به میلان آوردن اعتصاب سراسری را یادآور شدید. برای دانش آموزان چه نکاتی دارید؟

اصغر کریمی: دانش آموزان در

خواستهای مختلف معلمان خود شریکند و الحق مایه پشتگرمی معلمان بوده اند. این اعتصاب قطعاً رابطه نزدیکی میان دانش آموزان کمونیست و معلمان پیشرو و کمونیست ایجاد کرده است. این زمینه ای ایجاد میکند که باید سرعت به شکل گیری تشکل های ویژه دانش آموزان کمک کند. این روزها که کلاس درس دایر نیست، دانش آموزان هرمدسه میتوانند ساعتی را به تجمع خود و بحث در مورد خواستههای خود اختصاص دهند، برای نشریه دیواری تصمیم بگیرند، تصمیم بگیرند که نشست های ماهانه یا ترجیحاً هفتگی ثابتی در یکی از ساعات رسمی مدرسه داشته باشند و الان که تنور داغ است اینرا تحمیل کنند. معلمان حتماً از خواست دانش آموزان حمایت میکنند. این جلسات به امر تشکل یابی دانش آموزان کمک میکند. این روزها معلمان و دانش آموزان رادیکال و مبارز باید رابطه مبارزاتی مستحکمی با هم ایجاد کنند.

جوانان کمونیست بعنوان رئیس

هیات دبیران حزب کمونیست کارگری برای رفقای ما که از میروان تا ایذه،

اینکه تشکیلات پاول برمر جلوی تمامیت خواهی مشروعه خواهان موانعی ایجاد کرد، لیکن به یک ساختار قومی مذهبی در جامعه عراق رسمیت بخشید.

آنچه از جانب سرمایه داری جهانی برای عراق رقم زده میشود، قرارست الگوئی برای خاورمیانه پس از یازده سپتامبر باشد؛ و با فیس و افاده مسخره و بی معنی به آن «دمکراسی» و «آزادی» میکوبند. آقایان بوش و بلر و شرکای خجولشان میلیاردها دلار حاصله از استثمار کارگران را صرف کرده اند تا مردم عراق را کت بسته تحویل سران عشایر و قبایل نیمه وحشی و وحوش اسلامی صادره از تهران بدهند. حضور و سیاستهای ضدمردمی این حضرات نه تنها عراق را به میدان کشت و کشار وحشیانه برای اسلام سیاسی (عزیز دردانه غرب در دهه ۸۰ و ۹۰) تبدیل کرده است.

رویدادهای هفته

اسعد کوشا



ماست ترش دمکراسی در عراق

مجمع القبايل وحوش اسلامی در عراق آینده ملال آوری را به جامعه مصیبت زده عراق حفته کردند. با

روز جهانی زن در ون ترکیه

بنا به اطلاع واحد سازمان جوان کمونیست به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن توسط حوزه حزب و سازمان جوانان کمونیست واحد ترکیه در شهر وان بر گذارشد. مراسم با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد رفیق منصور حکمت و تمام جان باخته گان راه آزادی و سوسیالیسم شروع و سکوت با خواندن پاراگرافی از برنامه دنیای بهتر توسط مجری برنامه آزاد محمندی شکسته شد. سخنرانان مختلف از جمله مهدی حسینی دبیر سازمان جوانان کمونیست در رابطه با مبارزه و مطالبات زنان صحبت کردند. یاد آور میشود که پناهندگان در ترکیه اجازه برگزاری اجتماعات سیاسی را ندارند!

و زنجیرها بردوش حزب کمونیست کارگری عراق این تنها مدافع راستین حرمت انسانی در ویرانه ای بنام عراق است. راه حل سرمایه داری در عراق درس عبرتی است برای متوهمین به راه حل غیرسوسیالیستی برای ایران که پس از جمهوری اسلامی. برای آنها که

بلکه باید این وقایع آب پاکی را بروی دست شیفتگان نسخه پیچی بورژواهای غرب برای کشورهای منطقه ریخته باشد. از کوزه همان برون تراود که درآوست. اگر سرمایه جهانی فکر مناسبترین راه برای سازماندهی استثمار نیروی کار ارزان در منطقه نباشد که دیگر باید اسمش را عوض کند. راه حل سرمایه داری و «دمکراسی» برای عراق ماست ترشی است که طبعاً فروشنده اش از شیرینی آن به به و چه چه میکند. قانون اساسی اخیر عراق آن تسمه هائی را که بناسبت از گرده کارگران و زنان و محرومان جامعه در پناه قانون و ارگانهای سرکوب بکشند بنمایش میگنارد.

مردم عراق نباید خواسته های برحق و مطالبات جهانشمولشان را در چهارچوب تنگ این قانون محصور کنند. وظیفه خطیر شکستن این حصار

ناسیونالیسم ابزار سرکوب! و نگاهی به ناسیونالیسم ایرانی

آرش حمیدی

از ناسیونالیسم در جریان‌های نظیر حزب توده و جبهه ملی دوران مصدق است که خود را نمایان می‌سازد و بعدها جریان‌های نظیر مجاهدین، فدائیان و نهضت آزادی و جبهه ملی نیز در همین دسته قرار می‌گیرند. ناسیونالیسم چه بسیار ارتجاعی می‌باشد. از نظر این جریان تنها فرهنگ اصیل است که در زندگی مردم چادر نشین و روستای ایران وجود دارد. از نظر سیاسی نیز اینها تنها طرفدار «جنبش‌های کسب استقلال» بودند، که خود کفایی را تبلیغ می‌نمودند تا بورژوازی در ایران سر پای خود بایستد. بر خلاف آنچه اکثر این شاخه خود را مارکسیسم مینامیدند مرزبندی ایشان نه تضاد میان کار و سرمایه بلکه تضاد بین سرمایه داری وابسته و سرمایه داری ملی بوده است. این جریانی است به شدت شوق زده، که در حمایت از خمینی و «اسلام مترقی» یک لحظه هم درنگ ننموده است. نسبت به غرب هیستری داشته و نماد فکری این جریان جلال آل احمد می‌باشد. البته این جریانات پس از فروپاشی شوروی دچار تغییر شدند و به غرب متمایل شده و مدعی پرچمداری جنبش دموکراسیسم شده اند. امروز می‌توان گفت که اکثر این جریانات تمایلات سوسیال دموکرات دارد و دوست دارد خود را پرو غرب و طرفدار بازار آزاد (منتهدی با درجه ای تعدیل) نشان دهد. البته از نظر فرهنگی هنوز این جریان چیزی را اصیل، درست و خلقی می‌داند که در عقب افتادترین روستاها و عشایر وجود داشته دارد.

۳. ناسیونالیسم اسلامی: کلمه کلیدی این نوع از ناسیونالیسم «ایران اسلامی» است و شاید اولین نشانه‌های این جریان در نزد امثال «نواب صفوی» می‌بینیم. پدیده جمهوری اسلامی حاصل عروج ناسیونالیسم اسلامی است. نزد این جریان میهنی اگر هست، میهن اسلامی است و ملت همان امت اسلامی است. این جریان بسیار دوست دارد که بر کلیت جریان اسلام سیاسی در منطقه رهبری داشته باشد و هژمونی اسلام سیاسی را به دست بگیرد. این جریانی ضد غرب و دشمن کمونیسم است. ناسیونالیسم اسلامی خواهان پذیرفته شدن به بازار آزاد و سازمان تجارت جهانی است و از نظر اقتصادی پلاتفرمی کاملاً راست و ضد کارگر دارد. از نظر فرهنگی نیز از تمام طیف‌های دیگر ناسیونالیسم ارتجاعی تر است و اگر می‌توانست حتماً

جوانان! اتحاد علیه بیکاری!

جمال کمانگر، لندن



رحیم عبادی رئیس سازمان ملی جوان حکومت اسلامی راجع به مشکل بزرگ بیکاری صحبت میکند و میگوید: «با بهره برداری از اعتبارات فرد می‌تواند در ایجاد زمینه مناسب کار آفرینی و اشتغال برای قشر آسیب پذیر و در رفع بخشی از نیازهای جوانان موثر باشد». و به آماری که همین حضرت آقا در مورد درآمد بخشی از جوانان در تهران ارائه می‌دهد توجه کنید: «۷۵ درصد جوانان تهرانی درآمدشان ۴۰ هزار تومان و حداکثر ۱۰۰ هزار تومان در ماه است.» بیچاره جوان شهرستانی حتماً این مقدار درآمد را هم ندارد!! این مقدار درآمد را کنار راه حل رژیم قرار دهید تا به مضحک بودن و غیر جدی بودن راهکارهای رژیم برای جوان پی ببرید. همین آمار میگوید «۳۹ درصد از نیروی فعال کشور راجوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله تشکیل می‌دهند و ۳۱ درصد جمعیت بیکار کشور را جوانان تشکیل می‌دهند.»

طبق آمار نامبرده سالانه ۳۲۰ هزار نفر فارغ التحصیل دانشگاهی به خیل بیکاران می‌پیوندند. زمانی که می‌گویم که جمهوری اسلامی راه حل اقتصادی فرهنگی و سیاسی برای جامعه ندارد یکی از دلایل همین مختلف جمعیت سر جمهوری

سالمات است که جریانات مختلف ناسیونالیستی در ایران میداندار اصلی سیاست بوده اند، دیکتاتوری های پشت سر هم بر سر کار آورده اند. تمام شاخه های ناسیونالیسم اختلافاتی با هم دارند و بعضاً دشمن هم هستند، اما در نوع سرکوبی که به کار می‌برند مشترک بوده و هستند. در فضای سیاسی ایران تنها جریان کمونیسم کارگری است که نه بر اساس ناسیونالیسم بلکه بر اساس سوسیالیسم و انسانیت مبارزه می‌کند و در صورت پیروزی آینده ای آزاد و برابر را رقم خواهد زد. امروز دیگر هر انسان آزادی خواهی که می‌خواهد به سرکوب ناسیونالیسم طی قرن گذشته خاتمه

اسلامی ریخته اند بیکاران هم باید متشکل شوند و جوانان باید ابتکار را بدست بگیرند. باید دست بکار تشکیل اتحادیه بیکاران حول کار برای همه یا بیمه بیکاری شد. اگر جلو حتی بخشی از ریخت و پاشها و دزدیهای کلان یک مشت مفتخور سرمایه دار انگل و هزینه سرسام آور دستگاه سرکوب را بگیریم آنوقت منابع کافی هست که به امر بیمه بیکاری اختصاص داد. و هیچ کس از رفع حداقل نیازهایش بی نصیب نمی‌ماند. تا سال ۸۵ بیش از ۵۲ درصد از جوانان بیکار خواهند بود. جمعیت بیکار کشور که عمدتاً جوان هستند مانند یک شبکه باروت است اگر تشکل یابد به نیرویی اساسی برای مقابله با بیکاری و نوید دنیایی آزاد، برابر و مرفه تبدیل خواهد شد. طبعاً در اولین قدم نباید اجازه داد که مشتیی آخوند از گور برخاسته با سرنوشت و مقررات جمعیت میلیونی جوانان بیشتر از این بازی کنند. اینها نه خودشان، نه راه حلشان و نه فکشان متعلق به دوره ما نیست. اینها را باید به جایگاه واقعیشان ایران شد. الان که بخش‌ها مختلف جمعیت سر جمهوری

دهد، باید به حزب کمونیست کارگری ایران و سازمان جوانان کمونیست پیوندند و متشکل شود.

در حاشیه نوشته آرش: بخش

اول نوشته آرش یعنی جاییکه در مورد انواع ناسیونالیسم در ایران صحبت میکنم، چه از لحاظ سیر تاریخ ناسیونالیسم و چه مشخصات آنها میتواند مورد بحث باشد. ضمن تشکر از آرش عزیز از همه خوانندگان و صاحب نظران دعوت میکنم تا در مورد ناسیونالیسم ایرانی و مشخصات و دسته بندی و تمایزات و مشترکات آنها به بحث بپردازند. **جوانان کمونیست.**

استراتژی کمونیستها در ایران چیست؟

کارگری نفوذ خود را در میان مردم افزایش دهد تا بتواند رهبری این مبارزه را همانند گذشته بدست بگیرد. من به یکی از کتابهای منصور حکمت برای چاپ مخفی در ایران نیازمند هستم اگر میتوانید مرا برای دستیابی به آثار او و دیگر دوستانان راهنمایی کنید. اگر دوست عزیز من و دیگر دوستانم بخوایم نشریه جوانان را بصورت یک سالنامه منتشر کنیم آیا شما این اجازه را به ما میدهند؟ لطفا ما را در این زمینه برای دستیابی به تمام نشریه جوانان راهنمایی کنید.

دوست عزیز با نزدیکی به روز ۸ مارس من و دوستانم اعلامیه های وسیعی را برای حمایت از روز جهانی زن در میادین اصلی شهر و مدرسه ها و بساط کمانا ویژه خود پخش کرده ایم و به شما بگویم که ما هم در این شرایط هرگز ساکت نمی نشینیم تا نابودی این نظام ضد انسانی هرگز از پای نمی نشینیم و همچنین آدرس میل سایر افراد حزب را نیز به من بدهید. آقای مصطفی صابر من مدت چند هفته بعد از عوض کردن آدرس می میل ام و پس از آن حتی با اعلام کردن میل جدیدم به شما و حتی با اینکه اعلام کردم که دیگر نمی توانم از میل قبلی خود استفاده و از شما خواستار این شدم ام که از هفته جاری دیگر نشریات را به این میل ارسال کنید. اما دیگر نتوانستم نشریه های حزب را بگیرم. این مساله حتی تا امروز برای من کمی عجیب است! و حتی در مورد سوالات قبلی ام که منتظر پاسخ شما بودم کمترین واکنشی از طرف شما ندیدم. رفتار شما با شخص من همانند کسی است که تصمیم به طرد کسی گرفته است. حزب کمونیست و مارکسیسم را هم پایه هم نمی توان شناخت. درست است که حزب کمونیست مارکسیسم را چون درفشی در پیشاپیش خود برداشته است، ولی در همان حال آتر آلوده و از ارزش آن کاسته است. در روزگار ما پندار بافی قربانیهای بیشماري بهمراه دارد. راستی را این قربانیهای فراوان که بخاطر پیشرفت و ترقی بشریت داده اند، پهلای است سنگین و بس گران که هرگز برای شما و دوستانتان قابل درک نیست.

ارادتمند شما، یک بازمانده از افراد (یک جریان چپ) در داخل ایران،
صادق فهیمی.

فوق قتیجه گیری خیلی خیلی خلاصه ای برای اوضاع امروز ارائه دهم، باید مجددا بر این خطوط تاکید کرد:

۱. مبارزه مردم برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی به اوج نوبی رسیده که تا کنون بی سابقه بوده است. این یک انقلاب را در دستور جامعه میگذارد.

۲. حزب کمونیست کارگری باید بسرعت بصورت یک حزب وسیع و توده ای ظاهر شود. رهبری و سازماندهی

از ص ف پیوست: ۱۰ تاریخ: ۸۲.۱۲.۱۸ خدمت: حزب کمونیست کارگری

ایران ... همینطور توسط منابع آگاه مطلع شدیم که جمهوری اسلامی تصمیم به سرکوب شدید جوانان در چهارشنبه سوری گرفته است. این وضع را میتوان با مشاهده خیابانهای تهران که پر از نیروهای امنیتی است پی برد. گویا جمهوری اسلامی پس از انتخابات اش دیگر تحمل کمترین انتقاد را ندارد. بنابراین پاسخ هرگونه انتقاد از خود را بطور قهر آمیز میدهد. بنظر من در ای شرایط جز روی آوری به روش مسلحانه همراه با روشهای مبارزه مدنی در داخل ایران راهی نمی ماند. این روشها را میتوان هم بعنوان تاکتیک و هم بعنوان استراتژی در شرایط فعلی به کار برد. ولی من فکر نمی کنم که این روشها (احتمالا منظورشان مبارزه مسلحانه صرف است) دیگر در ایران کاربرد داشته باشد. چون که ما در ایران تجربه چریکهای فلایی خلق را داریم که به شکست انجامید و جنام تروریست در تاریخ نتوانستند برای خود نامی باقی بگذارند. در این شرایط ما کمونیست های داخل ایران چگونه میتوانیم یک استراتژی برای مبارزه مستمر خود در داخل ایران داشته باشیم؟ چرا که تمام رهبران حزب اکنون در خارج ایران بسر می برند و دیگر همانند مبارزه با رژیم پهلوی در ایران بسر نمی برند تا تر مبارزه با رژیم را بطور مستقیم در اختیار افراد بگذارند. شاید پیش خود فکر کنید که این خلل را میتوانید از طریق اینترنت و ماهواره بر طرف کنید. ولی خدمت دوست خود عرض کنم که بیشترین طبقاتی که در روزگار کنونی اعتقاد مبارزه با این نظام را دارند به دلیل فقر و مشکلات مالی از داشتن این وسائل محروم هستند که من به جرات میتوانم صدها مورد از این را ببینم. به هر حال شما باید از این مشکلات آگاه باشید و به کمونیستهای داخل نباید همانند کمونیستهای خارج که از حداقل وسایل برخوردار هستند نگاه کرد. چرا که آنان (کمونیستهای داخل) در خط مقدم مبارزه با این نظام هستند و به کمک شما در این مبارزه بیشتر نیازمند هستند. و به ما خط مشی بیشتری برای مبارزه با این نظام حاکم بدهید. چرا که باید حزب کمونیست

استراتژی: خطوط اصلی

اگر بخواهم از مجموعه مباحث



اسلامی و کسانی مثل آقای فرخ نگهدار و دوستانشان که ((نگهدار)) جمهوری اسلامی بوده اند، ختم شد... استراتژی حزب کمونیست کارگری در خطوط کلی اش روشن است. از شما و همه دوستانی که این روزها با حرارت میپرسند چه کنیم، دعوت میکنم سولی دقت و توجه و عمل به فراخوانهای نشریات و رادیو و تلویزیون حزب، که وظایف روز را مشخص میکنند، به برخی متون پایه ای حزب رجوع کنید: برنامه حزب کل اهداف ما، مطالبات ما و مهمترین جهت گیری های ما را تصویر میکند. اهمیت برنامه را در درک استراتژی حزب در دوره کنونی نباید فراموش کرد. در یک سطح مشخصتر از برنامه، قطعنامه های کنگره سوم حزب و سخنرانیهای منصور حکمت در آن کنگره خط کلی برخورد ما به دوره کنونی را تبیین میکنند. همینطور سخنرانی مشهور حکمت «آیا کمونیسم در ایران پیروز میشود» در سطحی مشخصتر و زنده تر بر همان جهت گیری ها تاکید میکند و حائز اهمیت بسیار است. از اینها مشخصتر مصوبات کنگره چهارم بویژه قطعنامه «حزب کمونیست کارگری و چشم انداز انقلاب» است که دارد اوضاع و شرایط اخیر و مشخصا چشم انداز انقلاب و خطوط کلی حرکت ما در لحظه تاریخی حاضر را تصویر میکند. اینها اسناد مهم و کلیدی برای پیشبرد یک سیاست کمونیستی در شرایط حاضر است. علاوه بر این ها چند بحث پایه ای سبک کاری نیز اهمیت فوق العاده حیاتی دارد. بدون درک این بحث ها که شیوه ها و کاراکتر فعالیت ما را تعریف میکند، مباحث و مصوبات فوق هنوز میتواند در چهارچوب دیگری معنی شود. شما را دعوت میکنم این مباحث را ببلت مطالعه کنید: «حزب و جامعه از گروه فشار تا حزب سیاسی»، اثر حکمت و همینطور «جنبش سلبی، جنبش اثباتی» (بحث حکمت و حمید تقوایی) که در سایت حکمت میتوانید پیدا کنید. همینطور مقاله «حوزه های حزبی و آکسیونهای کارگری» که در باره اهمیت آژیتاتور و رهبران عملی کارگری صحبت میکند و به مساله تلفیق کار مخفی و علنی میردازه و در عین حال سازمان پایه و محلی حزبی را تصویر میکند، میتواند در همه عرصه های فعالیت کمونیستی بسیار خط دهنده باشد.

بدون درک روشن و مطالعه عمیق و انتقادی متون فوق هم خطی و هم نظری لازم بین شما و حزب بنشوری بدست خواهد آمد. در عین حال با

پیرامون استراتژی ما

در پاسخ به آقای صادق فهیمی

مصطفی صابر

صادق فهیمی عزیز!

برخی نکات را مانند چاپ جوانان بصورت کتاب (که استقبال میکنیم) و یا انتقاداتی که به من دارید را جلاگانه (بهرام ملرسی و من) برایتان توضیح دادیم. با اینهمه ترجیح دادم عین نامه شما را بیاوریم چرا که این نامه فضا و جو حاضر در ایران و فعالین چپ و کمونیست را منعکس میکند. در ضمن مایلم یکبار دیگر اینجا نیز تاکید کنم که رفتار من نسبت به شما آنطور که میگویند نبوده و خواهش میکنم چنین احساسی نداشته باشید. واقعیت اینست که نامه های شما در نشریه منعکس شده (به شماره های قبل رجوع کنید). ولی برخی سوالات شما هنوز جواب داده نشده است چرا که همانجا نیز توضیح دادیم که پاسخ به آنها در اولویت نبوده است. ما صفحات محدود و انرژی معینی داریم و بهر حال ناگزیریم سوالاتی را انتخاب کنیم که گره و مشکل جنی خوانندگان و جنبش مان است. نامه شما اینبار این خاصیت را دارد. روی مسائلی دست میگذارم که بنظر ما باید مستقیما در باره آن ها صحبت کرد.

همانطور که هفته قبل در پاسخ به دوست عزیزمان اوستا گلگتیم شرایط حد و حساس ایران به فعالیت و دخالتگری چپ ها و کمونیستها دامن زده است که این بسیار عالی و مثبت است، ولی در عین حال راه حل هایی هم به وسط کشیده میشود که به نظر ما صحیح نیست. انتقاداتی از حزب کمونیست کارگری مطرح میشود که به نظر ما هم درست و بحق است و در عین حال حزب کمونیست کارگری در برخی موارد بدهکار از کار در می آید که بنظر ما منصفانه و راهگشا نیست. امیلوارم آن پاسخ (شماره ۱۳۱) را خوانده باشید. برخی سوال ها و نکات شما آنجا مورد توجه قرار گرفته است. اجازه بدهید در ادامه همان صحبت ها به نکات اصلی نامه تان بپردازیم.

رژیم اسلامی: حمله یا دفاع؟!

بی تردید باید منتظر تلاش جمهوری اسلامی برای سرکوب و ارباب بود. ما در این مورد در هفته های قبل صحبت کرده ایم که چگونه انتخابات رژیم و برخورد مردم به آن کلا یک فضا و شرایط جدید در ایران بوجود آورده است. بنظر میسرود برای جمهوری اسلامی راه دیگری جز تکیه کامل و همه جانبه به سرکوب و ارباب باقی نمانده است. اما سوال اینست آیا رژیم اسلامی موفق میشود که فضای حقیقان و سرکوب شدید برقرار کند؟

در این تردید بسیار بسیار جنی وجود دارد. در تمام چند سال گذشته با وجود آنکه رژیم توانسته بهر حال اوضاع را کنترل کند و خود را بر سر قدرت

استراتژی: چند متن کلیدی

قبل از آنکه در باره استراتژی حزب کمونیست کارگری کتاتی را بگویم، لازم است تصریح کنم که ما گرچه چریک های فدایی خلق را جریان ناسیونالیستی و خرده بورژوا ازنمایی میکنیم ولی هیچگاه آنها را آنطور که شما نوشته اید خطاب نکرده ایم. آنها جناح چپ و رادیکال جنبش ملی اسلامی بورژوازی ایران بودند که بشیوه چریکی و مسلحانه علیه رژیم شاه مبارزه میکردند، البته سرانجام این جنبش به همین جمهوری

از صفحه ۵

پیرامون استراتژی ما

این مبارزه برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی و یک انقلاب عظیم اجتماعی را بر عهده بگیرد.

۳. قلم اول گردآوری نیرو برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی تصرف قدرت سیاسی و برقراری حکومت باقصر شورای های مردم است. نباید منتظر نشست تا جمهوری اسلامی فرویزد. این تضمین شده نیست و مهمتر مطلوبترین حالت نیست. باید جمهوری اسلامی را با نیروی سازمانیافته و منظم و عظیم و اجتماعی سرنگون کرد و جایگزین آن شد.

۴. این در گرو همان حزب وسیع و سیاسی کمونیستی کارگری است. در لحظه حاضر ساختن چنین حزب توده ای و عظیمی بویژه در گروه اینست که از همه جا، در هر گوشه جامعه، در هر کارخانه و محله، در هر اعتصاب کارگران و معلمان، در هر اعتراض جوانان و توده مردم، در هر حرکت جنبش زنان کمونیست ها قلم جلو بگذارند و بصورت رهبران علنی و توده ای هدایت اعتراضات مردم را بدست بگیرند. فعالیت وسیع و همه جانبه کمونیستها در راس توده های مردم، تلفیقی دقیق کار علنی و مخفی، به میدان آمدن هزاران رهبر کمونیست اکنون راز پیشروی است. کمونیست ها

باید در هر کشاکش بین مردم و حکومت بعنوان نمایندگان، سختگویان و رهبران مردم ظاهر شوند. در همه جا، چه در سطح سراسری و چه محلی، چه در تجمعات، چه در نشریات، چه در تلویزیونها و رادیوها، چه در کوچه و خیابان و کارخانه و صف اعتصاب، چه در راس مجامع عمومی و شوراها و کانون ها و سربازخانه ها و چه در محافل و جمع های رهبران و فعالین بر سر هر مساله ای از اعتصاب برای حقوق های معوقه، تا اعتراض به نبود خدمات شهری، تا اعتراض به انعام و سرکوب، از چهارشنبه سوری تا ۸ مارس

و اعتصاب معلمان، از دخالت گری در قبال دعوای رژیم تا مقابله با هرگونه طرفداری که بورژواها مطرح میکنند، کمونیستها باید حرف اول را بزنند. باید وجدان آگاه مردم و تجلی اراده آنها باشند. طبعاً برای اینکار باید میلیونها اوراق تبلیغی پخش کرد، باید هر سایت و روزنامه ای را با مقالات و نوشته هایمان پر کنیم، باید بالای هر چارپایه ای سخنرانی کنیم و باید بلد باشیم هم مردم را رهبری و سازماندهی کنیم و هم گیر پلیس نیفتیم. باید یک جنبش عظیم سیاسی که ستون فقرات آن کمونیست های کارگری هستند بسازیم. اگر این جواب را داشته باشید آنوقت پاسخ خیلی سوالها را میتوان داشت.

مبارزه مسلحانه

راجع به مبارزه مسلحانه صحبت کرده اید. باید تاکید کرد وقتی در خط و جهتی که اشاره شد پیش برویم، آنگاه و فقط آنگاه قادر خواهیم شد که به موقع به جنبشی مسلح تبدیل شویم. قیام توده ای فقط میتواند در اوج یک جنبش وسیع سیاسی توده ای باشد. آن کسی که فردا سلاح بدست میگیرد و

جمهوری اسلامی را سرنگون میکند و نظم و قدرت اقلای بعد از آن را برقرار میکند و اجازه نمی دهد که جامعه دچار هرج و مرج و یا حالت سناریو سیاه شود، امروز باید در یک جنبش وسیع توده ای آموزش ببیند. امروز آنوقتی است که کمونیسم میتواند ابعاد وسیع و میلیونی پیدا کند و هر کادر کمونیست میتواند هزاران آدم عادی به سیاست جلب شده را دور خود جمع کند. اگر جنگ ادامه سیاست به طرق نظامی است، قیام و مبارزه مسلحانه توده ای و میلیشیای توده ای هم ادامه یک جنبش وسیع و سیاسی و سازمانیافته توده ای است. امروز باید این جنبش را سازمان داد. برای مثال وقتی شوراها کارگری موجود باشند، مسلح کردن آنها کار بسیار آسانتری است!

بازهم داخل و خارج

همینطور وقتی اینطور به مساله نگاه کنیم مساله داخل و خارج خود به خود حل است. در شماره قبل هم تاکید کردیم این تصور که گویا حزب کمونیست کارگری از خارج به داخل مهاجرت میکند درست نیست. حزب کمونیست کارگری فی الحال در داخل وجود دارد. در ابعاد وسیعی وجود دارد. آنچه که لازم است باید فضا را چنان عوض کرد و توازن را چنان به هم زد که حزب کمونیست کارگری به یک حزب علنی و یا نیمه علنی تبدیل شود، همان حزب وسیع و توده ای است که بالاتر اشاره شد. موضوع در واقع ابعاد داخل و خارج نیست. موضوع حضور روزمره و وسیع حزب و رهبران عملی و کمونیست با نفوذ که به حزب پیوسته اند، در راس اعتراضات مردم است. مساله فلج کردن قدرت سرکوب و پلیس امنیتی جمهوری اسلامی به آن درجه ای است که نتواند محدودیت های فعلی را به حزب تحمیل کند. در شرایط امنیتی که در این سالها داشته ایم، حتی اگر تمام حزب در داخل میبود، برای خیلی فعالیت های سراسری و تضمین ادامه کاری اغلب فعالیت هایمان ناگیر می شد بسیاری از کادراهای هایمان را به خارج اعزام کند. همچنان که بسیاری از کادراهایی که اکنون در خارج هستند جنگ کتان به اینجا عقب نشستند. به نظر من این تصور مضر و بازدارنده مقابل قرار دان داخل و خارج را باید کنار گذاشت. حزب در داخل و خارج وجوه متفاوت یک پدیده واحد است. بدون فعالیت های چند ساله حزب کمونیست کارگری در خارج از کشور اکنون وجود حزب با این ابعاد در داخل ممکن نبود. از آنطرف بدون وجود فعالیت شبانه روزی فعالین و کادراهای حزب در داخل کشور، حزب کمونیست کارگری ابعاد معنی و مفهوم امروزی نمی داشت. بقول منصور حکمت داخل به خارج وصل است!

همه اینها البته به این به معنی این نیست که حزب به موقعه کادرا و رهبران مجربش را به داخل فرستد و یا ضرورتی برای این کار نیست. تا بحال از این کارها کرده و بعد از این هم خواهد کرد. اما حتی اگر انقلاب سوسیالیستی در ایران پیروز هم شود، بخش خارج حزب کمونیست کارگری نه فقط کم

اهمیت نخواهد شد که اهمیتی به مراتب مهم تر پیدا خواهد کرد و اهمی برای حمایت کارگران و مردم آزاده جهان از انقلاب در ایران خواهد بود. فاکتوری که برای مقابله با بورژوازی جهانی حائز اهمیت فوق العاده است.

جایگاه اینترنت و ماهواره

قرار نیست که حزب در اینترنت تشکیل شود و یا در اینترنت قدرت را بگیرد. روشن است که این بحث ها کاریکاتور است. ولی اینگونه برخوردها و تسخرها، گاه گویی یک عقب ماندگی و تقلیس میکند. اینترنت و ماهواره درست همانطور که اکنون در خدمت بورژوازی و دولت و احزاب اش هست میتواند و باید در خدمت انقلاب مردم، در خدمت طبقه کارگر و کمونیسم باشد. نمی شود با چماق به جنگ تنگ رفت. باید اهمیت اینترنت و ماهواره را در سازماندهی و بسیج وسیع آدمها درک کرد و با تمام قوا از امکانات آن استفاده کرد. در مورد تلویزیون و ماهواره در شماره قبل اشاره کردیم، اما در مورد اینترنت باید گفت تا همینجا نقش مهمی در سیاست انقلابی دوره ما ایفاء کرده است. اینترنت نقش مهمی در اعتراضات جوانان موسوم به «علیه جهانی شدن سرمایه» (که از سیاتل شروع شد) ایفاء کرد. اینترنت نقش تعیین کننده ای در بسیج میلیونها مردم در اعتراض به جنگ آمریکا علیه عراق (که بزرگترین تظاهرات تاریخ بشر بود) ایفاء کرد. همین الان اینترنت نقش مهمی در بسیج جوانان در ایران دارد. نباید با اه داد گفتن و یا اینکه پول و امکانات نداریم به این ابزار مهم بی اعتنا باشیم. اینترنت هنوز مانند تا وسیع و توده ای شود. ولی فی الحال در ساختن افکار در جامعه نقش تعیین کننده ای ایفاء میکند. در ارتباط بین فعالین سیاسی نقش زیادی دارد. هر کارگر آگاه و کمونیستی، هر رهبر دانشجویی و معلمان و زنان باید روی اینترنت باشد و همانجا خود را مطرح کند و شروع به حرف زدن بکند. هر فعال کمونیستی باید فعالیت در اینترنت و قبضه کردن فضای سایت ها و نشریاتی را که روزانه دهها هزار بیننده دارند را در دستور قرار دهد. اینترنت در عین حال امکانات بی نظیری برای سازماندهی میدهد. یک وسیله عالی و سریع ارتباطی با مرکز حزب است. و... به نظر من کمونیست های کارگری بویژه در داخل کشور در این زمینه عقب هستند. باید این عقب ماندگی را جبران کرد. واضح است که اینترنت جای حضور زنده، جای کمیته بچه های محل یا مجمع عمومی کارگری و یا تظاهرات و خاک ماندن پروژه حزب الله و شعار نویسی و پخش اعلامیه را نمی گیرد. ولی میتواند مستقیماً در خدمت سازماندهی همه این ها قرار گیرد.

مارکسیسم و حزب ما

در پایان نامه تان نکته ای را گفته اید و توضیح نداده اید. اینکه گویا ما ارزش مارکسیسم را کم کرده و یا آنرا «آلوده» کرده ایم، من منتظر میمانم تا شما نظرتان را مشخص بگویید. اما یک نکته عمومی تر نه فقط خطاب به

شما بلکه به همه کسانی که امروز از خود میبرسند مارکسیسم چیست و حزب کمونیست کارگری چه درکی از مارکسیسم دارد بیان کنم. مارکسیسم برای ما «علم» انقلاب نکردن و نمی شه و حالا وقتش نیست و بخود مشغول شدن در محافل و دالتهای چپ مریخی و متزوی نیست. مارکسیسم برای ما «علم» دوقطبی ها عجیب «حزب و طبقه» و «داخل و خارج» و «شورا یا حزب» و از این قبیل نیست. مارکسیسم برای ما «علم» منتظر شدن تا صد سال دیگر که سرانجام «خود طبقه کارگر» را انقلاب کند و انشاء الله سر بورژوازی را با پنبه برد و رها شود، نیست. مارکسیسم برای ما یک سری «ارزش ها» که حالا باید رعایت کرد و یا نکرد نیست. ماهوت پاک کنی نیست که هر روز به پالتومان بکشیم تا شبک و خوش ظاهر باشیم و یا لباس پاره پوره ای نیست که بتن کنیم و ادای کارگر و پرولتر را درآوریم. مارکسیسم برای ما تئوری بافی و ارضاء نیازهای تئوریک این محفل و آن محفل نامربوط به دنیا نیست. پوششی برای توجیه چپ و سانتی ماتتال و به اصطلاح «تئوریک» ناسیونالیسم، مردسالاری، لیبرالیسم، دموکراسی طلبی، صوفی گری، ایران پرستی، شرقگرایی، تقلیس مذهب و خلاصه دفاع از سرمایه داری و تکرار حرف های پرفسورهای سیا

و سی ان ان و یا فلان «فیلسوف» و هنرمند وطنی و یا فلان «بست مدرنیست» ورافتاده با آوردن نقل های تحریف شده و بریده بریده از مارکس نیست. مارکسیسم برای ما علم تغییر واقعی زندگی در تمامی وجوه آن است. پرچم جنبش زنده آدمهای زنده این عصر و زمانه است که علیه سرمایه داری و دولتهای آن به پا میخیزند. مارکسیسم برای ما علم به پیروزی رساندن این تلاش ملموس و میلیونی انسانها برای برابری و آزادی همه جانبه است. این تنها ارزش ماست: اختیار انسان، حاکم شدن بر پرولتاریا، رهایی از یوغ مذهب، ستمکنی زن، جهل، فحشاء، جنگ، ناسیونالیسم و مالکیت خصوصی و پردهای مزدی، طبقات و دولت. این مارکسیسم ماست و همان مارکسیسمی است که شما میتوانید از تخرای فوئریاخ، تا مائیفست کمونیست و تا کاپیتال و تا دولت و انقلاب لنین، از کمون پاریس تا انقلاب اکتبر ببینید. ما این مارکسیسم را میشناسیم و به آن عمل میکنیم. این مذهب ما نیست. اصول لایتغیر ما نیست. از پیش قرار نیست زندگی امروز را با آن قالب بزیم. همان مارکسیسم به ما می آموزد که باید به مسائل زنده پیش روی همان جوابی را بدیم که به نفع رهایی و آزادی و حرمت انسان است. ما همصم هستیم یک بار دیگر بعد از انقلاب اکتبر، این مارکسیسم، این جنبش نظری و عملی رهایی بشریت زحمتکش و شریف، این جنبش آزادی، برابری، حکومت کارگری را بر قله تاریخ بشر بنشانیم.

دوست عزیز صادق فهمی در پایان میخوامم تاکید کنم به اعتبار همین نامه و تلاش های شورانگیزتان، شما و دوستانتان را جزئی از این تلاش ملیانم و دستتان را به گرمی میفشاریم.

نامه های شما

سینا سپهری، تهران شهر مال مردم بشه!

«سلام بهرام جان، امروز ۱۷ اسفند (۷ مارس) دیرستان ما نیمه تعطیل بود و دوساعت زودتر تعطیل شد. بچه فهمیده بودند که این تعطیلی به دلیل اعتصاب معلمان است... از سایر دوستانم نیز شنیدم که دیروز نیز بسیاری از مدارس تعطیل و نیمه تعطیل بود. همه داریم برای چهارشنبه سوری آماده میشیم. به نظر من آشنیه سوری هم باید جشن و پایکوبی باشه و هم اعتراض به جمهوری اسلامی به هر شکل. گرچه خود شادی هم نوعی اعتراض به این حکومت عبوس و خشن اسلامی است اما مبارزات باید شکل اعتراضی تری به خود بگیرد. و امیلوریم با حمایت جوانان چهارشنبه سوری شهر مال مردم بشه!»

سینا جان بیشتر در مورد دانش آموزان دیرستانی برلمان بنویسید. مثلاً در همین اعتصاب معلمان چه نقشی میتوانند و باید ایفاء کنند؟

ارسطو از ایران

معنی کنبد

«با سلام و آرزوی موفقیت. من قبلاً هم با شما تماس گرفته بودم. سوال داشتم و جواب سالم را گرفتم. ممنون. الان چند سوال دیگر دارم که اگر ممکن است به من پاسخ بدهید. میخواستم معنی کلمات «اپورتونیسیم»، «پوپولیسیم» را بدانم و همچنین در سنت کمونیسم کارگری (لیبرالیسم) به چه کسانی اطلاق میشود. در ضمن میخواستم کمی در باره تروتسکی بدانم.»

ارسطوی عزیز می بخشی که نامه شما را دیدم چاپ میکنیم. از قلم افتاده بود. اپورتونیسیم به معنی فرصت طلبی است. اپورتونیسیت کسی است که هیچ اصل و پرنسپی را رعایت نمی کند و بنا به فرصت و موقعیت موضع خود را عوض میکند. پوپولیسم آفتور که در ادبیات ما استفاده میشود (و این تمام معانی کلمه پوپولیسیم نیست) به معنی خلق گرایی چپ سنتی ایران در سال ۵۷ است که بر جنبش چپ مسلط بود. کسانی که در تئوری و عمل خود اساساً مبارزه طبقاتی و دفاع از منفعت کارگری را تحت لوای خلق مخلوش میگردند. یکنوع سوسیالیسم خرده بورژوازی و غیر کارگری که هدف آن صنعتی کردن ایران و ایجاد یک سرمایه داری دولتی ملی تحت نام سوسیالیسم بود. «سه منبع و سه جزء سوسیالیسم خلقی» اثر منصور حکمت را اگر بخوانید پوپولیسیم مذکور را در وجوه آن توضیح داده است. در مورد لیبرالیسم و لیبرالها، پاسخ آسان نیست، چون تعاریف مختلفی از آن میشود. از نظر ما لیبرال های کلاسیک را میتوان در متفکرین قرن هژده و بنیانگذاران فکری انقلاب کبیر فرانسه یافت. اساس این تفکر آزادی فرد، آزادی مبادله، آزادی

نام‌های شما

مالکیت بورژوازی و به عبارت دیگر آزادانه ترین و کلاسیک ترین شرایط برای استثمار سرمایه داری و بردگی مزدی است. در این مورد هم به اثر منصور حکمت «دموکراسی، تعابیر و واقعیات» رجوع کنید. اما در مورد ترتسکی، او یکی از رهبران کارگری و سوسیال دمکرات روسیه بود. در مقطعی به بلشویک‌ها و حزب لنین پیوست. نقش مهمی در انقلاب اکتبر ایفا کرد و سازماندهی ارتش سرخ بود. اما همیشه نظرات خاص خودش را داشت. لنین جایی از او بعنوان «نیمه منشیویک» یاد میکند. برای اطلاعات بیشتر در این مورد میتوانی به نوشته های حکمت در باره تجربه شوروی رجوع کنی و همینطور سخنرانی کوروش مدرسی در باره انقلاب اکتبر که در سایت انجمن مارکس هست را گوش کنی. پیروز باشی.

دامون از تهران بدرد کار دیگری نمیخورد

«رفیق عزیز صابر، اسمال مراسم پوسیده عاشورا تاسوعا در تهران خیلی کم رنگ برگزار شد. جالب است که آن دسته از جوانی که شرکت کرده بودند برای عزاداری نیامده بودند. دختران با میک آپ و زیبایی اعتراض خود را به کلیت نظام آنها در روز عاشورا اعلام میکردند و پسران هم برای رفتن بر سر قرار با دوستان دخترشان بیرون می آمدند. دسته های منبور نشان نوعی اعتراض به کل حاکمان بخت برکنشته رژیم بود که در کمال وقاحت ناظر این صحنه از رسانه کیفی لارجانی بودند. مسجد هم بقول آن دوست و رفیق عزیز محل خوبی بود برای «شاشیدن» چون بدرد کار دیگری نمی خورد.»

دامون همچنین شروع به کار کانال جدید را تریک گفته اند و اینکه وسیعا تلاش میکنند آنرا تبلیغ کنند و به مردم بشناسانند و خواسته اند راههای مقابله با پارتیزان را بگویند.

کریم احمدی ایران روز زن و یک فتوا!

در نامه هایی که برای شهلا دانشفر و ما فرستاده اند: (... سالروز ۸ مارس روز جهانی زن را به همه زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب و رهبران سوسیالیسم و کمونیسم کارگری تریک میگویم. امیلورم که تمامی تلاشهای انسان در راه رسیدن به دنیای برابر و انسانی در هر زمینه ای با موفقیت به پیروزی برسد و این در سایه تلاش ما انسانهای محروم خواهد بود و بس!)

در نامه دیگری: «در روزنامه شرق شماره ۱۴۳ تاریخ ۱۴ اسفند ۸۲، نوشته بود که «استفساء از آیت الله اردبیلی در مورد اعتصاب کارگران!» حضرت آیت الله در جواب استفساء خبرگزاری ایلنا جواب میدهد: «اگر کارفرما با تعهد خود عمل نکند، کارگران نیز حق دارند مقابله به مثل کرده و به تعهد خود عمل نکنند و کار را تعطیل نمایند.» و نیز «چنانچه افرادی به حقوق خود نرسند، حق اعتراض دارند.» ایشان مثل آنکه زمین زیر پایشان

بیش از پیش داغ میشود. آری انقلاب در راه است...»

راهی دفاعی تهران در تهران و کرج

«بهرام عزیز، دیروز در میدان محسنی بین مردم و جوانان و نیروهای رژیم درگیری پیش می آید. مقاومت مردم چنان بوده که نیروهای انتظامی را تا ساعت ۲ و ۳ صبح سرپا نگه داشته... در مهرشهر کرج هم درگیری هایی بوده است.»

مهران بهرامی سوئد حکومت زن ستیز!

«من مهران بهرامی جوانی ۲۲ ساله هستم که در عرض زندگی ام از نابرابری بین زن و مرد، از دیوار عمیقی که حکومت اسلامی به ۷۰ میلیون انسان تحمیل نموده، از اینکه رونای زندگی بهیچ وجه طبیعی و عادلانه نیست، رنج بدم ام. روز جهانی زن همه باهم فریاد میزنیم نابود باد حکومت زن ستیز ایران!»

عیسی از تهران ادامه بدین!

«سلام بهرام جان... ما پوستهای ۸ مارس و پوستهایی که خودمان نوشته بودیم (مرکب بر جمهوری اسلامی، زنده باد حزب کمونیست کارگری...) رو چسبونیم. اونهایی که ما را دیده بودن میگفتن ادامه بدین، حرکت کنید، که ما هم پشت شما هستیم...»

پسرخاله از تهران اکثریت نمی شناسن!

«سلام بهرام عزیز، دانشگاه و جامعه به شدت غیر سیاسی شد. دیگه همه حالشون از سیاست بهم میخوره. به نظر میرسه وارد یک رکود چندین ساله میشیم. ولی اینطور نیست شاید آرامش پیش از طوفان باشه. در مورد ۸ مارس باید بگم ملت ما خیلی از دنیا عقبه. اکثریت ملت این روز رو نمی شناسن. شاید باورتون نشه اکثریت جامعه ۸ مارس را نمی شناسه!»

رفیق شهبازی ایران ارتش سرخ

«سلام آقای صابر، شنیدم میخواید ارتش سرخ راه بیندازید، درسته؟ زنده باد!» شهبازی عزیز. ارتش سرخ یکی از سنت های بلشویکی و کارگری و کمونیسم کارگری است. منصور حکمت در سخنرانی کنگره سوم (به شماره ۹۷ این نشریه مراجعه کنید) میگوید باید حزب سیاسی و توده ای را ساخت که مردم با اتکاء به آن زندگی شان را بهبود بخشند، شورا تشکیل بدهند، ارتش سرخ درست کنند، قدرت را بگیرند و غیره. طبعاً وقتی ضرورت داشت که بقول شما «ارتش سرخ راه بیندازیم» حزب در این مورد تصمیم خواهد گرفت و اعلام خواهد کرد. بهر حال میدانید که حزب ما از کوران جنگ های زیادی بر علیه جمهوری اسلامی و حزب دمکرات گذشته است!

فرید مشایخی تهران تشکیل دوباره کمیته

«در نشست اخیر نیروهای انتظامی حکومت قالیباب با تاکید بر ناموفق بودن

جوانان کمونیست ۱۲۲

پلیس ۱۱۰ بر ضرورت تشکیل ۶ پایگاه امنیتی در تهران تاکید کرد. قرار است وظایف عملیاتی و اجرایی کلاترتیا به این پایگاه‌ها که از نظر اجرایی ساختاری شبیه کمیته های سابق دارند منتقل شود. از دلایل اصلی این اقدام فساد مالی شدید کلاترتیا است که بلبلیل حوزه عملکرد محلی آن اهداف خدمت‌آفرینی را خراب کرده است و به جایگاهی برای اعمال زور و رانت تبدیل شده.»

و بلندگوی بی منطق

«سلام آقای صابر به نظر من نشریه خوب نشریه ای است که بر اساس خواسته و انتظار مخاطب طراحی و نشر گردد.»

عموما اگر این موضوع فراموش شود به یک بولتن خبری تبدیل میشود و از جایگاه واقعی فاصله میگیرد. به نظر من حزب برتری منطقی و تئوریک دارد. دیدگاه حکمت و تفسیر خاص او از کمونیسم جایگاه خاصی دارد که نسل جوان نیازمند شناختن آنست. ایران فقر اطلاعاتی از حککا دارد و در فضایی از تبلیغات منفی به سر میبرد که وظیفه سحک (سازمان جوانان کمونیست) روشنگری در این رابطه است. اما متأسفانه این نشریه به بلندگوی بد و بیراه گویی بدون منطق و دور از اصول و راه کارهای حککا نزدیک شده است. پیشنهاد من کاهش حجم مقالات تحلیلی افزایش اخبار و آموزش دیدگاههای ناب مارکسیستی است، خصوصا برطرف کردن تبلیغات های علیه این جریان. جسارت من را ببخشید.»

فرید عزیز ممنون از انتقادات صریح ات. ولی لطف کنید یک کم بیشتر توضیح دهید. برای مثال منظورتان از «بلندگوی بلو بیراه گویی بی منطق و دور از اصول» مشخصا چیست؟ «کاهش حجم مقالات تحلیلی» به چه چیزهایی اشاره دارد؟ بنظرم ایراد ندارد که اسم برید. بعد «دیدگاههای ناب مارکسیستی» مشخصا منظورتان چیست؟ نام برید که مثلا از کدام بحث (چه از این نشریه و نه چه جای دیگر) واقعا لذت برده و آنرا «ناب» و جذاب یافته اید. نمونه های تبلیغات علیه ما و اینکه ما چه باید بگویم را اگر بتوانید به دست بدهید، آوقت کار ما را آسانتر میکند. هنوز دشوار است با نقد شما موافقت یا مخالفت کرد. چون حقیقتا نمی دانم چه چیز را باید قبول کرد و چه چیز را رد. من همینقدر میدانم که شما از نشریه رضایت نراندید، که فوق العاده مشتاق هستم ته و توی آنرا دریابورم، و اینکه باید حکمت را طرح کرد. در مورد طرح کردن مباحث حکمت میتوان به جرئت گفت نشریه ای در ایران وجود ندارد که بیش از ما بحث های حکمت را معرفی و طرح کرده باشد. ولی به نظر شما باید جلوتر از این رفت. عالی است. ولی آیا میتوانید یکی دو مثال بزنید؟ منتظر نظرات شما هستیم.

منصور ترکاشوند ایران قیاس مع الفارق!

«سلام. بحث تو با اوستا در نشریه ۱۳۱ رو خواندم، کتاب «خاطرات کیانوری» را هم خوندم ام. مقایسه حزب ما به اوپاش حزب توده (به استناد خاطرات لیدرشان) مثل مقایسه لنین با کارگر است. خاطرات

این آقا بولد چپ سنتی خواهد خورد. به امید دیلار در ایران، در قدرت، که بنظرم شدنی است.»

منصور جان منم مثل تو در سالهای ۶۰ و ۶۱ شاهد بودم که چطور مثلا در کارخانه کارگران کمونیست از توده ای اکثریتی های بیشتر خودشان را پنهان میکردند تا حزب الهی ها. چون حزب الهی ها نمی فهمیدن کی کمونیست است ولی این حضرات فوری آدم را شناسایی میکردند.

با اینهمه میخوامم بگویم بین حزب توده و اکثریت و افراد آن باید تفاوت گذاشت. همانوقت هم کسانی بودند که سیاست های حزشان را دنبال نمی کردند.

رفیق اوستا، ایران گشت زدم و دیدم!

«سلام آقای صابر. من اون نشریه رو فرستادم تا جوابشون را بدین من که مشکلی ندارم. در این مدت روی همه نیروهای چپ دور زدم و همشون مثل موش مخفی کاری میکردند حتی عکس رهبراشون رو هم نشون نمی دن. اینا چطور میخوان کار انقلابی کنند!! ولی کاش که حککا فقط به تئوری های منصور حکمت اکتفا نکنه. راستی آقای صابر باز مطالعه کردم و بالاخره با خودم کنار اومدم که برای رسیدن به یک جامعه برابر خونوت اجتناب ناپذیره هر چه من میخوانستم از این خونوت دور برم دیدم نمی شه.»

اوستای عزیز، اگر کسی بتواند بر خونوت در مناسبات انسانها پایانی بگذارد ما هستیم. ولی خونوت را همانطور که در سراسر دنیا می بینیم آنها (بورژوازی) به ما کارگران و مردم صلح دوست تحمیل میکنند. باید ریشه بورژوازی را بیرون آورد تا جامعه ای بدون طبقات، بدون استثمار و بدون خونوت داشت. ولی از همین امروز هم ما هر میلتری که بتوانیم از خونوت خواهیم کاست. در مورد گروههای چپ همینطور است که میگوین. من که منتهاست سفری مثل تو انجام ناده ام و جواب آن نشریه هم به همین دلیل که واقعا نه دستشان به جایی بند است و نه حرف حسایی دارند نباید داد. اینها به گذشته تعلق دارند. در مورد تئوری های حکمت باید گفت که خود او بارها میگوید که حرف او چیزی جز بیرون کشیدن مارکسیسم از زیر آوار کمونیسم بورژوازی (از جمله همان چپ های مورد اشاره تو) و دادن پاسخ به سوالهای امروز نیست. ما بر تئوری ها مارکس و طبعا انگلس و لنین و حکمت متکی هستیم، ولی چشم مان را بر بقیه نبسته ایم. نکته اینجاست که وقتی مارکسیسم را خوب می آموزی و سراغ بقیه میروی می بینی کلی ایراد و اشکال دارند. هر چند ممکن است اینجا و آنجا حرفهای درستی هم زده باشند. خود مارکس نمونه عالی هست از اینکه چگونه حق مطلب را در مورد درافزوده هر متفکر معتبری بیان کرده ولی در عین حال بر آنها تهنه های تیز و کوبنده هم گذاشته است.

مجتبی مظفرپوریان سوئد علیه مذهب

مقاله ای فرستاده اند علیه مذهب و در دفاع از یابینه مذهب زدایی حزب کمونیست کارگری، منبع مقاله را ذکر کرده اند اما در طول مقاله روشن نیست

کجا نقل از منبع است و کجا نوشته دوست عزیز ما مجتبی. خواهش میکنم که این نکات را به دقت رعایت کنید. همینطور خواهش میکنم در فرمت واژه نگار بنویسید. دوستان میتوانند برنامه واژه نگار را از گروه جوانان کمونیست پیاده کنند. در ضمن عکس شما نیز قابل استفاده نبود.

سارا ایرانی، ایران دو نظر متفاوت

«در باره نشریه جوانان کمونیست پرسیدید، دو حرف کاملا متفاوت دارم. این بستگی به آدمهای مختلف دارد. من همیشه منتظرم که نشریه شماره جدید برسد و واقعا یک نفس از اول تا آخرش را میخوانم. برای همه یا ئی میل میفرستم. وقتی با بعضی ها که برایشان فرستاده ام صحبت میکنم، می بینم اصلا توجهی به نشریه ندارند. اینها از سیاست بدشان می آید. فقط به دنبال خوشی و غیر جلی بودن هستند. این اشکال نشریه شما نیست. مردم ما بد عادت کرده اند. اگر جای نشریه یک عکس خواننده یا هنرپیشه ئی میل کنم همه خوششان می آید!

میخوامم واقعتی را با شما در میان بگذارم... این جوانان که کمر رژیم را باید بشکنند، هر صبح در دسته های عزاداری شرکت میکنند. البته منتهی نیستند. اما بی اعتقاد هم نیستند. این یا اون یا میخوانند همه را یک جا داشته باشند. واقعا دین افیون است. برای ریشه کن کردن مذهب خیلی مشکل داریم.» ساری عزیز، به نظر تصویر واقعی ای از نشریه میدهی. من همیشه در فکر این هستم که آیا ممکن است نشریه ای کمونیستی منتشر کرد که جوانان و مردم از آن مثل یک عکس هنرپیشه و یا موضوعی بسیار جذاب و خواننی استقبال کنند. بخوبی متوجه ام که نشریه ما در چهارچوب و قامت فعلی اینا چنان چیزی نیست. نشریه ما فعلا مخاطبینی نظیر شما برای خود تعریف نکرد است و حتی در همین چهارچوب هم بنظر کمبودهای جدی دارد. باید شما و دیگر خوانندگان عزیز کمک کنید تا ما مخاطبین نشریه را گسترش دهیم. ما هم به سهم خود در فکر هستیم. همینجا از خوانندگان میخوامم نظراتشان را بگویند.

در مورد مذهب، و بطور مشخص همین عزاداری عاشورا اینرا هم باید دید که در همین اسمال چطور عاشورا و شام غریبان در تهران به عرصه اعتراض جوانان به جمهوری اسلامی تبدیل شد. یا بقول تو جوانانی که به دسته ها میروند نیز منتهی نیستند. باید دقت کرد که مذهب از یک حامی خونخوار و جانی به اسم دولت و کلی پول و پله و تلویزیون و منبر و مظهر و کتاب و مشق و مدرسه برخوردار است. وقتی رژیم اسلامی برود و عاشورا و مسجد و خرافه و مسجد قدرت دولتی را حامی خود نداشته باشد، سرعت ابعاد واقعی و ناچیز دامنه نفوذ آن هویبا خواهد شد. حتی بیش از این، در جریان رفتن حکومت اسلامی، مسجد و عاشورا هم با آن فرو میریزد. انقلاب در ایران حتی افراطی تر از انقلاب کبیر فرانسه ضد منتهی خواهد شد. ما کمونیستها میتوانیم نقشی تعیین کننده در این رابطه ایفا کنیم.

هیچکده در تهران «غریب» نبود! لینک

علی فرهنگ

نیم

<http://nimawc.blogspot.com>



شما تو صف چندم میشینی!!!

رفتم تو مسجد واسه مجلس ختم! چون جا نبود رفتم ته مسجد. تکیه دادم و به بقیه نگاه میکردم. صف اول داشتن هم دیگه رو جر میدادن!!! یکی گریه میکرد و یکی توسرش می کوید، یکی هم غش کرده بود داشتن بهش آب قند میدادن تا نفسش بالا بیاد!

ملت توصف دوم در حال زاری کردن بودن و تک و توک به چایی جلوشون بود!

صف سوم به نگاه به هم میکردن

یه نگاه به چای!

صف چهارم در حال نوشیدن چای دوم و سوم بودن!

صف پنجم میوههارو نوش جان میکردن و زیر لب پیچ!

صف ششم در حال لمبونن بشقاب دوم میوه بودن در حالی که آروم میخندین!

صف هفتم که تمام خوراکی رو خورده بودن داشتن واسه هم دیگه جک میگفتن و از خنده رسه میرفتن!!!

برو بین دم در، صف مردم واسه غذا چقدره... بین اگه کمه فعلا غذا ندیم، بالاخره باید در و همسایه هجوم جمعیت رو ببینند تا بفهمند فلاژی داره غذای نذری میده...

یارو دیگه اون وسط کم موندن برقشه، شوری گرفتندش ها، خیلی فرق نمیکنه نوحه باشه، تکنو باشه، فقط کافیته نثاره فکر کنی، همین رو میخوان ازت، یا بنال یا برقص فقط اندیشه نکن.

شام غریبونه دیگه، ایشالله با این شماره تلفنهایی که رد و بدل میشه دیگه فردا هیچکی غریب تو تهرون نیمنونه!!!

باکوه

<http://baakereh.clogspot.com>

باز این چه شورش است:

مریض اورژانس حالیش نیست، دسته واسه امام حسین، خیابون حالا حالاها از نمیشه...

ارباب حلقه ها

عجب صدای خشنی این نوحه خون داره، اخبار میگه کشت تریاک تو افغانستان زیاد شده ... خانوم من تو خونه مریض دارم، غذای نذری میخوام... درسته که عاشوراست ولی واسه یه خانوم ساتی

من برای دخترم توضیح میدادم که این جادوگر دوست گاندولف فریب ساریون رو خورده ... یه دفعه گفت درسته اما سهم تخم مرغ خودتو خوردی بقیه اش مال منه.

* دخترم خیلی جدی این سوال رو از من کرده و راستش دلم نمی خواد جواب آخوندی بهش بدم. شما میتونین کمک کنین؟ خدا چیه؟ کیه؟ کجاست؟ کی درستش کرده؟

حلاج

<http://hapokomarpasainblog.com>

ببینید من با دیه زن نصف مرد مشکل دارم. شهادت دو زن برابر یک مرد. با عدم حق ورود به مسجد هنگام نفاس یا حیض. عدم حق طلاق. عدم توانایی اختیار ۴ شوهر حتی با اجازه شوهر اول!!! با حجاب اجباری حتی اگه شهید مطهری سیصد تا کتاب دیگه بنویسه. با آیات سوره نسا و مریم مشکل دارم. با هر اونچه که این حق سروری لعنتی رو به مردها میده مشکل دارم.

من از هر چی زن ۱۴۰۰ سال پیش که جیک نژدن و اجازه دادن این احکام رایج بشه بیزارم. نمی دونستم محمد عایشه رو منع میکنه از خروج از شهر. اگر اون بی اجازه خارج شده نه تنها باعث نشده که ازش بدم بیاد بلکه بیشتر براش احترام قایلیم. علی رغم اینکه هرگز نتونستم حرف های معلم دینی رو تو مدرسه باور کنم که عایشه یک زن بدکاره بوده (چون فکر نمی کنم محمد(ص) اینقدر بی غیرت بوده باشه) ولی اگر واقعا بوده دمش گرم و روحش شاد.

رادیو و تلویزیون کانال جدید!

دیگر بر روی همین طول موج برنامه های رادیویی پخش خواهد شد. مشخصات رادیو و تلویزیون به قرار زیر است:

Satellite: Telstar 12X
Center Frequency: 12608 MHz
Symbol Rate: 19279
FEC: 2/3
Polarization: Horizontal

رادیو و تلویزیون کانال جدید را در سطح وسیع تبلیغ کنید.

این اولین رسانه صوتی و تصویری ۲۴ ساعته چپ جامعه ایران است. کانال جدید فصل جدیدی را در تاریخ رسانه های جمعی آغاز خواهد کرد. این تلویزیون هر روزه از طریق ماهواره تل استار ۱۲ از ساعت ۸ تا ۱۰ شب بوقت تهران پخش خواهد شد. در ۲۲ ساعت

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت

۹ تا ۳۰:۹ بوقت تهران

از کانال جدید پخش میشود

(مشخصات کانال جدید در همین صفحه)

برنامه های تلویزیون انترناسیونال در اروپا و آمریکای شمالی هم پخش میشود. این برنامه ها از طریق سایت روزنه نیز قابل دسترسی خواهند بود.

میل: wpi_tv@yahoo.com

تلفن ۳۷ ۲۲ ۵۹۰ ۷۸۱ ۰۴۴

فکس ۱۷۳۳ ۱۲۲ ۵۰۳ ۰۰۱

طول موج جدید

رادیو انترناسیونال

رادیو انترناسیونال هرروز ساعت ۹ شب به وقت تهران روی طول موج ۴۱ متر برابر با ۷۴۹۰ کیلو هرتز پخش خواهد شد.

برنامه رادیویی سازمان جوانان کمونیست

شنبه ها ۱۵:۹ تا ۳۰:۹

طول موج جدید رادیو انترناسیونال را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خود برسانید.

Payamgir radio:

+46 8 659 07 55

Tel: +44 771 461 1099

& +46 70 765 63 62

Fax: +44 870 129 68 58

radio7520@yahoo.com

www.radio-

international.org

تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 515296 20

0031-613248331

0049 1632693033

0046 70 678 1198

001 604 709 8085

0044 78 90 80 9142

00905552048603

0046 70 48 68 647

0049 174 944 02 01

fax:001 781 735 8359

bahram-modarresi@web.de

دانمارک: امید حدابخشی
هلند: مجیدپستنچی
آلمان: ایمان شیرعلی
سوئد: حامد خلکی
کانادا: سامان احدی
انگلستان: فواد عبدالمی
ترکیه: دبیر تشکیلات خارج: مریم طاهری
دبیر کمیته مرکزی: بهرام مدرسی
مشاور دبیر: ثریا شهابی

آدرس پستی: Jawanan

Postfach 620 515

10795 Berlin

Germany

به سازمان جوانان کمونیست پیوندید!

جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان
حزب کمونیست کارگری ایران

مصطفی صابر

mosaber@yahoo.com

Tel: 001 604 730 5566

www.jawanan.org

www.m-hekmat.com

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.medusa2000.com

www.wpiran.org

www.childrenfirstinternational.org

از این سایت ها دیدن کنید: